

### سوالات درس پنجم (خدا در فلسفه - قسمت اول)

#### جای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

- ۱- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را..... و..... یکی از واقعیات جهان می شمردند. مبداء و منشاء
- ۲- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو، در جامعه ای زندگی می کردند که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منشاء یکی از..... جهان می شمردند. واقعیات
- ۳- مردم در یونان باستان به خدایان متعدد اعتقاد داشتند از نظر آنان «.....» «خدای آسمان و باران» «.....» خدای خورشید و هنر و موسیقی و «.....» خدای عفت و خویشترن داری بود. زئوس - آپولون - آرتیمیس
- ۴- اتهام اصلی سقراط این بود که «او خدایانی را که همه به آنها معتقدند،..... می کند و از خدایی..... سخن می گوید. انکار - جدید
- ۵- سقراط، گرچه گاهی از لفظ خدایان هم استفاده می کرد، اما گزارش افلاطون از جریان..... وی نشان از آن دارد که وی به وجود خدای..... معتقد بوده و تلاش کرده مردم رانیز به این حقیقت رهبری و هدایت کند. محاکمه - یگانه
- ۶- اما گزارش افلاطون از جریان محاکمه وی (سقراط) نشان از آن دارد که وی به وجود خدایی گانه معتقد بوده و تلاش کرده مردم رانیز به این حقیقت..... و..... کند. رهبری و هدایت
- ۷- در یونان باستان افلاطون تصمیم گرفت با دقت..... درباره خدا صحبت کند و به تدریج..... را اصلاح نماید. فلسفی - پندارها
- ۸- یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید: افلاطون ابداع کننده..... است. خداشناسی فلسفی
- ۹- از نظر افلاطون، کار خدا..... است و بر اساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می گیرد. هدفدار
- ۱۰- از نظر افلاطون، کار خدا هدفدار است و بر اساس..... و برای هدفی..... صورت می گیرد. حکمت - خاص
- ۱۱- افلاطون توصیفی از نوعی هستی ارائه می دهد که کاملاً بر توصیف..... در ادیان الهی منطبق است. خدا

- ۱۲- او (افلاطون) می گوید «درسوی دیگر، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته... است. ثابت
- ۱۳- افلاطون، در مواردی نیز از خداوند با عنوان «.....» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند. مثال خیر
- ۱۴- افلاطون، در مواردی نیز از خداوند با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای ..... می شوند. حقیقت
- ۱۵- وی (افلاطون) همچنین از خدا به عنوان «.....» و آفریننده اشیا ی عالم یاد می کند تا به انسان یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی..... سرچشمه می گیرد. صانع- عاقل
- ۱۶- افلاطون می گوید: یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل..... در زیر فرمان..... قرار دارد. جهان-عقل
- ۱۷- بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو، نام های دیگر..... است. خداوند
- ۱۸- بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «.....» و «.....» (دمیورژ) هر دو، نام های دیگر خداوند است. مثال خیر-صانع
- ۱۹- افلاطون شناسان می گویند دمیورژ همان..... است، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط ا اشاره به..... خداوند دارد. خداست-خداوند
- ۲۰- افلاطون شناسان می گویند..... همان خداست، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط ا اشاره به..... خداوند دارد. خداوند-دمیورژ
- ۲۱- افلاطون شناسان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد وی به..... نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با..... آن است که به شدت مشرکند. چند خدایی - جامعه
- ۲۲- همچنین او (افلاطون) تلاش می کند خداوند..... را در جایگاهی قرار دهد که هیچ موجود دیگری نمی تواند به آن..... برسد. مثال خیر- جایگاه
- ۲۳- پس از افلاطون..... که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود، تلاش کرد برهان هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کند. ارسطو
- ۲۴- ارسطو که از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود تلاش کرد برهان هایی بر وجود..... و..... جهان ارائه کند. خدا-مبداء نخستین
- ۲۵- این استدلال ها (استدلال های ارسطو بروجود خدا) گرچه قدم های اولیه بوده اند، از..... خاصی برخوردار بودند و زمینه..... بعد افرام می سازد. استحکام- قدم های
- ۲۶- ارسطو می گوید: حقیقتی که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این، همان..... است. واقعیت الهی
- ۲۷- ارسطو می گوید: حقیقتی که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این، همان واقعیت الهی است این برهان ارسطو را «برهان.....» نامیده اند. درجات کمال
- ۲۸- منظور ارسطو (از بیان برهان درجات کمال) این است که: هرگاه دو موجود بایکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از دیگری است، یک..... مطلق و یک..... مطلق وجود داشته باشد. کامل- خوب
- ۲۹- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا، برهان..... نام دارد. حرکت
- ۳۰- برهان مشهور ارسطو بر اثبات..... برهان حرکت نام دارد. وجود خدا
- ۳۱- او (ارسطو) معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند..... است که خود..... حرکت نداشته باشد. محرکی- محرک
- ۳۲- دکارت فیلسوف عقل گرای قرن هفدهم، در یکی از استدلال خود برای اثبات خدا می گوید: من از حقیقتی..... و..... که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم، تصویری دارم. نامتناهی-دانا
- ۳۳- دکارت می گوید: تصور من از حقیقتی نامتناهی و دانا نمی تواند از..... باشد زیرا من موجودی..... این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم نیست. خودم- متناهی ام
- ۳۴- از نظر هیوم دلایلی که صرفاً متکی بر..... باشند مردودند. عقل
- ۳۵- از نظر دیدید هیوم، دلایلی که صرفاً بر عقل باشند مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از..... و..... ندارد. حس - تجربه

- ۳۶- دیوید هیوم می گوید: مهمترین برهان فیلسوفان الهی، برهان ..... که از تجربه گرفته شده اما این برهان توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و..... را ندارد. نظم- نامتناهی
- ۳۷- دیوید هیوم می گوید: این برهان (برهان نظم) فقط می تواند ثابت کند که یک ..... و..... این جهان را اداره می کند. ناظم- خالق
- ۳۸- دیوید هیوم می گوید: برهان نظم ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ..... و..... دارد. ازلی - ابدی
- ۳۹- آن دسته از فیلسوفان تجربه گرا که به خدا اعتقاد داشتند، برهان..... را معتبر می دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می کردند. نظم
- ۴۰- آن دسته از فیلسوفان ..... که به خدا اعتقاد داشتند، برهان نظم را معتبر می دانستند و از این برهان در اثبات ..... استفاده می کردند. تجربه گرا - وجود خدا
- ۴۱- (کانت) به جای اثبات وجود خدا از طریق نظم یا برهان علیت ویا وجوب و امکان ، ضرورت وجود خدا را از طریق ..... و..... اثبات کرد. اخلاق - وظایف اخلاقی
- ۴۲- از نظر کانت ، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در جایی معنا دارد که انسان خود را صاحب ..... و..... ببیند. اراده- اختیار
- ۴۳- از نظر کانت برای موجودات بدون ..... و..... وظیفه اخلاقی معنا ندارد. اختیار
- ۴۴- از نظر کانت ، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی ..... غیرمادی باشد که ..... است. نفسی- فناپذیر
- ۴۵- (طبق دیدگاه کانت) قبول خداوند، پشتوانه اختیار و اراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه ..... مورد قبول وی می باشد. اصول اخلاقی
- ۴۶- (طبق دیدگاه کانت) بپذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای حقیقی و متعالی پیدا می کند و از ..... و..... خارج می شود. پوچی- بی هدفی
- ۴۷- (طبق دیدگاه کانت) بپذیرش خداوند است که زندگی انسان معنای ..... و..... پیدا می کند و از پوچی و بی هدفی خارج می شود. حقیقی و متعالی
- ۴۸- زندگی معنا دار، آن زندگی است که دارای هدف و مقصود..... و..... و آراسته به فضایل اخلاقی و کرامت انسانی باشد. متعالی - مقدس
- ۴۹- زندگی معنا دار، آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به ..... و..... انسانی باشد. فضایل اخلاقی - کرامت
- ۵۰- از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت، در صورتی زندگی معنادار می شود که از پشتوانه ..... خداوند برخوردار باشد. قبول
- ۵۱- از نظر فیلسوفانی مانند ..... و.....، در صورتی زندگی معنادار می شود که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد. دکارت - کانت
- ۵۲- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند ..... و ..... و ..... راه دیگری برای معنابخشی به زندگی پیش گرفتند و از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به وجود خدا استفاده کردند. کرکگور- ویلیام جیمز- برگسون
- ۵۳- دسته دیگری از فیلسوفان غربی مانند کرکگور و ویلیام جیمز و برگسون راه دیگری برای معنابخشی به زندگی پیش گرفتند و از تجربه های ..... و ..... برای باور به وجود خدا استفاده کردند. معنوی درونی- عشق و عرفان
- ۵۴- ویلیام جیمز می گوید: « من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های ..... ما نهفته است». شخصی درونی
- ۵۵- کرکگور معتقد است که ..... هدیه الهی است که خداوند به انسان می بخشد و نیازی به استدلال و ..... ندارد. ایمان- پشتوانه عقلی
- ۵۶- کرکگور معتقد است که ایمان هدیه الهی است که خداوند به انسان می بخشد و نیازی به ..... و..... ندارد. استدلال- پشتوانه عقلی
- ۵۷- کرکگور معتقد است، خدا انسان ..... را برمی گزیند و به او ..... هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد. مومن- ایمان
- ۵۸- بحران معناداری زندگی سبب شد که در قرن بیستم و بیستم ویکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا ف به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان ..... و..... توجه کنند. اعتقاد به خدا- معناداری زندگی

- ۵۹- زندگی معنادار عبارت است از یک زندگی دارای ..... و..... و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد. غایت - هدف
- ۶۰- زندگی معنادار عبارت است از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های..... است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و ..... برتر به او می دهد. اخلاقی آرامشی
- ۶۱- کانتینگهام می گوید: قبول خداوند زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن با..... را و با..... می سازد با ارزش - اهمیت
- ۶۲- کانتینگهام در کتاب خود اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های ..... و..... در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان خدا را عمال اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کردند. عقلی - فلسفی
- ۶۳- کانتینگهام در کتاب خود اشاره می کند که پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان خدا را عامل اصلی..... به زندگی معرفی کنند. معنا بخشی
- ۶۴- در قرن ۲۰ و ۲۱ فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به رابطه میان ..... و..... توجه کردند. اعتقاد به خدا- معناداری زندگی
- ۶۵- فیلسوفان قرن ۲۰ و ۲۱ نشان دادند که زندگی بدن اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاء ..... و..... آزار دهنده ای می شود. معنایی - پوچی

### درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

- ۶۶- تاریخ فلسفه نشان می دهد که بحث و گفت و گو درباره خدا در صدر مسائلی قرار نداشت که فیلسوفان بررسی می کرده اند. غ
- ۶۷- مردم یونان باستان به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منشاء یک حقیقت در جهان می شمردند. ص
- ۶۸- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان، زئوس خدای خورشید و هنر و موسیقی، و آپولون خدای آسمان و باران بود. غ
- ۶۹- از نظر فیلسوفان بزرگ یونان، آرتیمیس، خدای عفت و خویشترن داری بود. ص
- ۷۰- اتهام اصلی سقراط این بود که خدایانی را که همه به آنها معتقدند، انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید. ص
- ۷۱- افلاطون تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید. ص
- ۷۲- تیلور، یکی از افلاطون شناسان مشهور اروپایی می گوید: افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است. ص
- ۷۳- خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن اسن و این نظر، با چند خدایی یونان تفاوت زیادی ندارد. غ
- ۷۴- به عقیده افلاطون، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود. ص
- ۷۵- ارسطو تلاش کرد، برهان هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کند. ص
- ۷۶- استدلال های افلاطون بر وجود خدا گرچه قدم های اولیه بوده اند اما از استحکام خاصی برخوردار بودند و زمینه قدم های بعد رافراهم می کند. غ
- ۷۷- ارسطو می گوید: به طور کلی هر جا یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست. ص
- ۷۸- به عقیده ارسطو، حقیقتی که خوب ترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است. ص
- ۷۹- به عقیده افلاطون نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد، بدون اینکه موجودی جاودان و برتر از ماده در کار باشد. غ
- ۸۰- کانت می گوید: من از حقیقتی نامتناهی و دانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم. غ
- ۸۱- به نظر دکارت، تصور او از حقیقتی نامتناهی و دانا، تصور از خود او یا هر موجود متناهی دیگری نیست بلکه تصویری است از وجود نامتناهی که می تواند چنین ادراکی را به او دهد. ص
- ۸۲- از نظر هیوم دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند قابل پذیرش اند زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد. ص
- ۸۳- به نظر هیوم، مهمترین برهان فیلسوفان الهی ریا، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده و به خوبی توانایی اثبات یک وجود ازلی و ابدی و نامتناهی را ندارد. ص
- ۸۴- به عقیده هیوم، برهان نظم فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و خالق این جهان را اداره می کند اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی و ابدی دارد. ص
- ۸۵- کانت به جای اثبات وجود خدا از طریق مخلوقات یا برهان علیت و یا وجوب و امکان، ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد. ص

- ۸۶- به عقیده دکارت ، مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند. غ
- ۸۷- به عقیده کانت؛ اختیار واراده ، ویژگی نفس غیر مادی و فناناپذیر است و یا مرگ بدن از بین نمی رود. ص
- ۸۸- نزد کانت ، روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء این جهان نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. ص
- ۸۹- ویلیام جیمز و برگسون ، از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند. ص
- ۹۰- ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خدا عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. ص
- ۹۱- در قرن ۲۰ و ۲۱ فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان ، اعتقاد به خدا، و معناداری زندگی ، توجه کردند. ص
- ۹۲- به عقیده برخی فیلسوفان قرن ۲۰ و ۲۱ بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود. ص
- ۹۳- از نظر کرگور خداوند به همه انسان ها ایمان هدیه می کند. غ

### سؤالات کوتاه پاسخ

- ۹۴- سه فیلسوف بزرگ یونان را نام ببرید؟ سقراط- افلاطون- ارسطو
- ۹۵- در یونان باستان خدای آسمان و باران، خدای خورشید ، هنر و موسیقی و خدای عفت و خویشتن داری به ترتیب چه نامیده می شوند؟ زئوس- آپولون- آرتیمیس
- ۹۶- فیلسوفان بزرگ یونان، از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو ، در چه نوع جامعه ای زندگی می کردند؟ در جامعه ای که مردم آن به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبداء و منسپشای یک حقیقت در جهان می شمردند.
- ۹۷- در جامعه یونان باستان انکار خدایان چه نتیجه ای را به دنبال داشت؟ طرد از جامعه و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت.
- ۹۸- در دوره یونان باستان کدام فیلسوف تصمیم گرفت که با دقتی فلسفی استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید؟ افلاطون
- ۹۹- تیلور چه کسی بود؟ عقیده وی را در مورد افلاطون بنویسید؟ از افلاطون شناسان مشهور اروپایی که عقیده داشت، افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
- ۱۰۰- از نظر تیلور ابداع کننده خداشناسی فلسفی کیست؟ افلاطون
- ۱۰۱- از نظر افلاطون کار خداوند چگونه است؟ هدفدار
- ۱۰۲- از نظر افلاطون چند خدایی شکل دیگری از چیست؟ کفر و بی خدایی
- ۱۰۳- کدام فیلسوف یونانی از قدرت استدلال و منطق قوی برخوردار بود و برهان هایی بر وجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کرد؟ ارسطو
- ۱۰۴- کدام فیلسوف ادعا می کند که دلایل دکارت و سایر فیلسوفان درباره اثبات خدا نیز پذیرفتنی نیست؟ دیوید هیوم
- ۱۰۵- چرا از نظر هیوم، دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند؟ زیرا اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- ۱۰۶- از نظر دیوید هیوم مهمترین برهان فیلسوفان الهی ، برای اثبات خدا چیست؟ برهان نظم
- ۱۰۷- از نظر هیوم بر اساس نظم موجود جهان حداکثر چه چیزی را می توان اثبات کرد؟ یک ناظم و خالق
- ۱۰۸- آیا همه فیلسوفان تجربه گرا برهان نظم را معتبر نمی دانستند؟ خیر آن دسته از تجربه گرایان که به خدا اعتقاد داشتند برهان نظم را معتبر می دانستند و از این برهان در اثبات وجود خدا استفاده می کردند.
- ۱۰۹- کدام فیلسوف راهی متفاوت با دکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود؟ کانت
- ۱۱۰- کدام فیلسوف خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد؟ کانت
- ۱۱۱- از نظر کانت مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها در چه جایی معنا دارد؟ در جایی که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند.
- ۱۱۲- به نظر کانت در کدام موجودات وظیفه اخلاقی معنا ندارد؟ موجودات بدون اختیار
- ۱۱۳- از نظر کانت سعادت روح و نفس مجرد در چیست؟ در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.
- ۱۱۴- چرا کانت می گوید: روح و نفس مجرد برای سعادت دائمی خود به جهانی ماوراء دنیای ما نیاز دارد؟ چون موجودی جاودانه است.
- ۱۱۵- از نظر کانت وجود جهانی ماوراء دنیای ما مشروط به چیست؟ مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است.

- ۱۱۶- کدام فلاسفه از تجربه های و معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند؟ ویلیام جیمز و برگسون
- ۱۱۷- از نظر ویلیام جیمز وجود خداوند عمدتاً در چه چیزی نهفته است؟ در تجربه های شخصی درونی ما
- ۱۱۸- فیلسوفانی که در قرن ۲۰ و ۲۱ ظهور کردند به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا به چه چیزی توجه کردند؟ به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی
- ۱۱۹- از دیدگاه فیلسوفانی که در قرن ۲۰ و ۲۱ ظهور کردند و اعتقاد راسخ به خدا داشتند کدام زندگی دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود؟ زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است.
- ۱۲۰- کدام فیلسوف معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند؟ کرکگور
- ۱۲۱- از نظر کدام فیلسوف خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان عطا می کند؟ کرکگور
- ۱۲۲- به اعتقاد کرکگور چه کسی زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد؟ کسی که شایسته بخشش ایمان نشود.
- ۱۲۳- کدام فیلسوف می گوید « قبول خداوند ، زندگی ما را در بستری قرار که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد »؟ کاتینگهام
- ۱۲۴- از نظر کاتینگهام پس از کدام جریان برخی از فیلسوفان به این سمت حرکت کردند که خدا را عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند؟ پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا
- ۱۲۵- ارسطو برای اثبات وجود خدا چه تلاشی کرد؟ و استدلال او در این زمینه چگونه بود؟
- تلاش کرد برهان هایی بوجود خدا و مبداء نخستین جهان ارائه کند. این استدلال های ارسطو بوجود خدا، گرچه قدم های اولیه بودند اما از استحکام خاصی برخوردارند و زمینه قدم های بعد را فراهم می کند.
- ۱۲۶- دوره جدید اروپا در چه قرن هایی شکل گرفت و سبب پیدایش چه مکاتبی در فلسفه شد؟ در قرن های ۱۴ و ۱۵ و سبب پیدایش دو جریان عقل گرا و حس گرا در تجربه گرا در فلسفه شد.
- ۱۲۷- زندگی معنا دار چگونه زندگی است؟ آن زندگی است که دارای هدف و مقصود متعالی و مقدس و آراسته به فضایل اخلاقی و کرامت انسانی باشد.
- ۱۲۸- از نظر فیلسوفانی مانند دکارت و کانت ، در چه صورتی زندگی معنا دار می شود؟ در صورتی که از پشتوانه قبول خداوند برخوردار باشد.
- ۱۲۹- باشکل گیری دوره جدید اروپا، چه دیدگاه هایی درباره خداوند ظهور کرد؟ این دیدگاه ها ریشه در کدام مکاتب فلسفی داشتند؟ دیدگاه های مختلفی ظهور کرد که به گونه ای ریشه در دو جریان عقل گرا و حس گرا/ تجربه گرا در فلسفه داشتند.
- ۱۳۰- به عقیده کانت، اختیار و اراده ، ویژگی بدن است یا نفس چرا؟ اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود.
- ۱۳۱- ویلیام جیمز و برگسون بر اثبات وجود خدا چه راهی را در پیش گرفتند؟ از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کردند.
- ۱۳۲- با توجه به گفته های ویلیام جیمز ، وی دلیل وجود خدا را در کجا جست و جو می کرد؟ ویلیام جیمز می گوید: من معتقدم که دلیل وجود خداوند در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.
- ۱۳۳- چه نوع زندگی ای را می توان زندگی معنا دار دانست؟ زندگی معنا یک زندگی دارا یغ ایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.
- ۱۳۴- به عقیده کاتینگهام ، پس از سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی در اروپا بر اثبات وجود خدا، برخی از فیلسوفان به کدامین سمت حرکت کردند؟ به این سمت حرکت کردند که خدا را با عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند.
- ۱۳۵- بنابراین دیدگاه کاتینگهام دلیل اینکه برخی فیلسوفان خدا را عامل اصلی معنا بخشی معرفی کردند چیست؟ دلیل سیر نزولی استدلال های عقلی و فلسفی

### سوالات تشریحی

- ۱۳۶- خدای افلاطون چه ویژگی هایی داشت؟ خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و این نظر با چند خدایی یونان تفاوت دارد از نظر وی ، کار خدا هدف دار است و بر اساس حکمت و برای هدفی خاص صورت می گیرد.

۱۳۷- افلاطون چه توصیفی از نوعی هستی می دهد که کاملاً برتوصیف خدا در ادیان الهی منطبق است؟ (افلاطون خدا را چگونه توصیف می کند؟) درسوی دیگر ، نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است؛ نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگری فرو می شود. نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

۱۳۸- افلاطون در مواردی از خداوند با چه عناوینی یاد می کند؟ با عنوان «مثال خیر» یاد می کند و توضیح می دهد که همه چیز در پرتو آن دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنائی شبیه خورشید است، اما خود خورشید نیست، حقایق نیز شبیه به «مثال خیر» هستند، نه خود آن. وی همچنین از خدا به عنوان «صانع» و آفریننده اشیا این عالم یاد می کند تا به انسان ها یادآوری نماید که نظم جهان از وجودی عاقل سرچشمه می گیرد.

۱۳۹- دیدگاه افلاطون را در مورد نظم موجود در جهان رابنویسید؟ یگانه سخنی که درباره نظم جهان و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان در زیر فرمان عقل قرار دارد.

۱۴۰- نظر افلاطون شناساسان در مورد «مثال خیر» و «صانع» که افلاطون در مورد خدا بکار برده، را توضیح دهید؟ بسیاری از افلاطون شناسان معتقدند که «مثال خیر» و «صانع» (دمیورژ) هر دو ، نام های دیگر خداوند است. آنان می گویند دمیورژ، همان خداست، اما در مرتبه خلق جهان، اما مثال خیر، فقط اشاره به ذات خداوند دارد.

۱۴۱- به اعتقاد افلاطون شناسان ، آیا افلاطون اعتقاد به چند خدایی دارد؟ آنان معتقدند که اگر گاهی افلاطون از خدایان نام می برد، به معنای اعتقاد دی به چند خدایی نیست، بلکه برای ارتباط برقرار کردن با جامعه آتن است که به شدت مشرک اند.

۱۴۲- برهان درجات کمال ارسطو را در اثبات وجود خدا بیان کنید؟ به طور کلی ، هر جا که یک خوب تر و بهتر وجود دارد، خوب تر و بهتری نیز هست . حال ، در میان موجودات برخی خوب تر و بهتر از برخی دیگرند. پس حقیقتی هم که خوب ترین و بهترین باشد وجود دارد که از همه برتر است و این ، همان واقعیت الهی است. این برهان ارسطو را « برهان درجات کمال » نامیده اند.

۱۴۳- منظور برهان درجات کمال ارسطو چیست؟ هر گاه دو موجود بایکدیگر مقایسه شوند و گفته شود که یکی کامل تر و خوب تر از دیگری است، باید یک کامل مطلق و یک خوب مطلق وجود داشته باشد که بتوان آن دو موجود را با این وجود کامل مقایسه نمود و هر کدام را که به این وجود، نزدیک تر باشد، برتر و آن را که دورتر باشد، ناقص تر به حساب آورد.

۱۴۴- برهان مشهور ارسطو بر اثبات وجود خدا رانام برده و توضیح دهید؟ برهان حرکت- او معتقد است که وجود حرکت در عالم نیازمند محرکی است که خود آن محرک، حرکت نداشته باشد، زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد، نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز به همین ترتیب نیازمند یک محرک دیگری است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.

۱۴۵- نظریه واستدلال دکارت درباره اثبات وجود خداوند رابنویسید؟ من از حقیقتی نامتناهی و دانا و توانا که خود من و هر چیز دیگری به وسیله او خلق شده ایم تصویری دارم این تصور نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی ام این تصور از هیچ موجود متناهی دیگر هم نیست پس این تصور از یک وجود نامتناهی است؛ اوست که می تواند چنین ادراکی به من بدهد.

۱۴۶- به نظر هیوم ،مهمترین برهان فیلسوفان الهی ، کدام برهان است ، و چرا این برهان ، توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی را ندارد؟ او می گوید مهم ترین برهان فیلسوفان الهی، برهان نظم است که از تجربه گرفته شده اما این برهان نیز توانایی اثبات یک وجود ازلی وابدی و نامتناهی را ندارد. این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم وخالقی این جهان را اداره می کند . اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و وجودی ازلی وابدی دارد.

۱۴۷- کانت، فیلسوف بزرگ قرن هجدهم آلمان، چگونه خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد خلاصه توضیحات او را بنویسید؟ (۱) انسان دارای یک وجدان اخلاقی است که او را دعوت به فضیلت و رعایت اصول اخلاقی در زندگی می کند. این وجدان اخلاقی از او می خواهد که آنچه را برای خود می پسندد، برای دیگران هم پسندد و این اصل را به عنوان یک قاعده رها، همواره در نظر داشته باشد و در زندگی پیاده کند.

(۲)مسئولیت پذیری و رعایت اخلاق تنها درجایی معنا دارد که انسان خود را صاحب اراده و اختیار ببیند . زیرا برای موجودات بدون اختیار، وظیفه اخلاقی معنا ندارد.

۳) این اختیار واراده نمی تواند ویژگی بدن باشد که ماده ای مانند سایر مواد است، بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی باشد که فناپذیر است و با مرگ بدن از بین نمی رود. این بعد غیر مادی انسان بهره مند از وجدان اخلاقی است. انسان در وجدان خود فضایل اخلاقی مانند عدالت را خوب می شمارد و ردیلت های اخلاقی مانند ظلم را بد به حساب می آورد.

۴) حال، این روح و نفس مجرد که سعادتش در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است، چون موجودی غیر مادی و جاودانه است، برای سعادت دائمی خود به جهانی ماورای دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است. بنابراین قبول خداوند، پشتوانه اختیار واراده انسان و مسئولیت پذیری او و تکیه گاه اصول اخلاقی مورد قبول وی می باشد.

۱۴۸- در جامعه اروپایی چگونه پایه های اعتقاد به خدا سست شد و زندگی فاقد معنا و مقصود ارزش های متعالی شد؟ رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که جهان را صرفاً حقیقتی مادی می دانستند و انسان را نیز موجودی مادی می شمردند، پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی دسته هایی از مردم را تحت تاثیر قرار داد، بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان آنان در حد اهداف مادی تنزل پیدا کرد و زندگی فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معناداری زندگی پدید آمد.

۱۴۹- در فضای بحران معناداری زندگی در اروپا، چه فیلسوفانی و چه راهی برای معناداری زندگی و باور وجود خدا در پیش گرفتند؟ کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و ویلیام جیمز، فیلسوف آمریکایی قرون نوزدهم و بیستم، و برگسون، فیلسوف فرانسوی قرن بیستم راه دیگری را برای معنا بخشی به زندگی پیش گرفتند و از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای باور به وجود خداوند استفاده کردند.

۱۵۰- ویلیام جیمز دلیل وجود خدا را چه چیزی می داند؟ «من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است»

۱۵۱- منظور ویلیام جیمز «من معتقدم که دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است» چیست توضیح دهید؟ مثلاً هریک از ما احساس می کنیم که در هنگام سخن گفتن با خداوند و راز و نیاز با او و توصیف زیبا و عاشقانه او به نوعی از تعالی و معنویت منتقل می شویم که ساعاتی قبل از آن تهی بوده ایم ما در ساعات و لحظه هایی خاص از زندگی، حضور او را حس می کنیم و در آن لحظه های حضور، زندگی را متعالی و برتر می یابیم.

۱۵۲- کرکگور، فیلسوف دانمارکی قرن بیستم در مورد ایمان چه عقیده ای داشت؟ معتقد است که ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان می بخشد. و نیازی به استدلال و پشتوانه عقلی ندارد. خدا انسان مؤمن را برمی گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش نشود، زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

۱۵۳- بحران معناداری زندگی سبب ظهور چه فیلسوفانی شد و چه دیدگاهی در مورد اثبات وجود خدا داشتند؟ سبب شد که در قرن بیستم و بیست و یکم فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود خدا، به رابطه میان ن اعتقاد به خدا و «معناداری زندگی» توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد، دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

۱۵۴- خصوصیات و ویژگی های زندگی معنا دار را بنویسید؟ زندگی معنادار عبارت از یک زندگی دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است که انسان را نسبت به آینده مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

۱۵۵- بعد از کانت فیلسوفان حس گرا و تجربه گرا بر اساس نظرشان درباره خدا چند دسته شدند؟ دیدگاه هر کدام را بنویسید؟ دسته ای مانند دکارت و کانت و زندگی معنا دار را در پشتوانه قبول خدا می دانند دسته ای دیگر مانند ویلیام جیمز و برگسون از تجربه های معنوی درونی و عشق و عرفان برای اثبات خداوند استفاده کردند.

۱۵۶- در قرن ۲۰ و ۲۱ چه نوع فیلسوفانی ظهور کردند و برای اثبات وجود خداوند به کدام رابطه توجه داشتند؟ فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا به جای ذکر دلایل اثبات وجود او، به رابطه میان اعتقاد به خدا و معناداری زندگی توجه کردند و نشان دادند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبداء خیر و زیبایی و ناظر بر انسان است، دچار خلاء معنایی و پوچی آزار دهنده ای می شود.

۱۵۷- عقیده کاتینگهام در مورد آثار و پیامدهای قبول خداوند در زندگی را بیان کنید؟ قبول خداوند، زندگی ما را در بستری قرار می دهد که آن را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را می دهد که به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتادیم که در آن هیچ امری در نهایت، اهمیت ندارد، می توانیم مأمّن و پناهگاهی بیابیم.